

صدر اسلام

alcorana

آیا پیش از ظهور اسلام قبایل شبه جزیره عربستان خدایی بنام (الله) را می شناختند؟

باید گفت بسیاری از قبایل عربستان پیش از ظهور اسلام (الله) را بعنوان خالق بزرگ و یکتایی که به هنگام خطر باید به او پناه برد می شناخته اند. این مطالب را می توان از برخی آیات قرآن استنباط کرد و همچنین نام پدر حضرت محمد که (عبدالله) بوده دلیل دیگری بر آشنایی مکی ها با مفهوم (الله) بوده.

وضعیت شهر مکه قبل از ظهور اسلام به چه شکل بوده است؟

شهر مکه بخاطر خانه کعبه و وجود سیصد و شصت بت متعدد در آن زیارتگاه عموم ساکنان جزیره العرب بود. هر یک از این بت ها مورد پرستش قبیله و طایفه معینی بود و هر ساله زوار و مسافران زیادی برای زیارت بت های مورد پرستش خود به مکه هجوم می آوردند.

آیا حضرت محمد سواد خواندن و نوشتن داشته است؟

بله. برای اثبات این مطلب دلایل مختلفی وجود دارد که ما به یک مورد از قول طبری اکتفا می کنیم: در جریان صلح حدیبیه که حضرت محمد در ماه ذیقعده (سال ششم هجری) به قصد زیارت کعبه رفت. اما اهل کعبه نگذاشتند که محمد وارد شود و صلح شد که محمد سه روز در مکه بماند و چون صلح نامه می نوشت چنین نوشت:

این صلحنامه محمد پیغمبر خداست ... اهل مکه گفتند: اگر تو را پیغمبر خدا می دانستیم مانع ورود تو نمی شدیم ولی تو محمد ابن عبدالله هستی. وی گفت: من پیغمبر خدا هستم و محمد بن عبد الله هستم و به حضرت علی گفت: کلمه پیغمبر خدا را از متن صلحنامه محو کن! اما علی گفت: نه! هرگز تو را محو نمی کنم. پیغمبر صلحنامه را بگرفت و کلمه محمد را بجای پیغمبر خدا نوشت. (تاریخ طبری. جلد

۳. صفحه ۱۱۲۵)

ماجرای "غرانیق" چه بوده است؟ (آیات شیطانی)

ماجرای ستایش بت های مهم قریش توسط حضرت محمد به غرانیق شهرت دارد. بر این اساس که در لحظات نا امیدی وقتی حضرت محمد آیه "افرايتم اللات و العزی" یعنی:

(مشرکان آیا دو بت لات و عزی را دیدید؟) را قرائت کرد به ستایش آن بت ها پرداخت و گفت:

"تلك الغرانیق العلی و ان شفاعنهن لترنجی" یعنی:

(آن بت ها لات و عزی بزرگ اند و همانا شفاعت آنها پذیرفته است)... آنگاه حضرت محمد به سجده افتاد و مشرکین و کافران نیز از ستایش پیغمبر خوشنود شدند و به سجده افتادند. (تاریخ طبری. جلد ۳. صفحه ۸۸۱-۸۸۳)

البته متن آیه مذکور از اکثر قرآن های موجود حذف شده است زیرا گروهی از مسلمانان معتقد بودند که آیه ستایش بت ها را شیطان بر زبان پیغمبر جاری ساخته است! و گروهی دیگر هم اساسا ماجرای غرانیق را انکار کردند. اما آیات متعددی مبنی بر نکوهش و پشیمانی محمد از ستایش بت ها در قرآن هست که واقعه "غرانیق" را تایید می کند. (سوره حج. آیه ۵۲ و ۵۳) (سوره اسری. آیه ۷۳ و ۷۶)

دلیل تغییر قبله مسلمانان از "بیت المقدس" به "مکه" چه بوده است؟

پس از آنکه در سال هشتم هجری اشراف مکه بدون جنگ با ارتش حضرت محمد تسلیم شدند و بیشتر آنان (از جمله ابو سفیان که از دشمنان محمد بود) با محمد بیعت کردند. حضرت محمد نیز برای جلب رضایت و حمایت اشراف قریش و بنی امیه و تامین منافع بازرگانان مکه قبله مسلمین را از بیت المقدس (مسجد الاقصی) به مکه (مسجد الحرام) تغییر جهت داد و با واجب کردن حج برای عموم مسلمانان خطر کسادی بازار و ورشکستگی اقتصادی بازرگانان مکه را از بین برد.

آیا مراسم حج مسلمانان با مراسم حج در دوران جاهلیت تفاوتی دارد؟

باید گفت که تمام مناسک حج و عمره واحرام و لثم و لمس حجرالاسود و سعی بین صفا و مروه و وقفه در عرفات و رمی جمره همگی در دوره جاهلیت متداول بوده و تنها بعضی تعدیلات در حج اسلامی نسبت به دوره جاهلیت روی داده که از آن جمله می توان بموارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- اعراب قبل از اسلام هنگام طواف "لبیک یا لات". "لبیک یا عزی" می گفتند و هر قومی بت خود را صدا می کرد. در اسلام "اللهم" جای بت ها را گرفت و آن عبارت بدین شکل تعدیل شد: "لبیک اللهم لبیک"
- ۲- اعراب گاهی لخت به طواف کعبه می پرداختند. اسلام آن را منع کرد و پوشیدن لباس دوخته نشده را مقرر فرمود.
- ۳- اعراب از خوردن گوشت قربانی اکراه داشت. حضرت محمد آن را مجاز ساخت.
- ۴- مشهور است که مسلمانان پس از فتح مکه و بر انداختن بت های قریش از سعی بین صفا و مروه اکراه داشتند زیرا قبل از اسلام بر این دو کوه دو بت سنگی وجود داشت که حاجیان و زائران دوره جاهلیت سعی بین صفا و مروه را برای نزدیک شدن به آنها و دست کشیدن و بوسیدن آنها کسب تبرک می کردند. ولی حضرت محمد نه تنها بین صفا و مروه را مجاز کرد بلکه در (سوره بقره. آیه ۱۵۸) آن را از شعائر الله قرار داد.

ماجرای مرتد شدن کاتب وحی (عبدالله بن ابی سرح) چه بوده است؟

عبدالله ابن ابی سرح که زمانی از نزدیک ترین اصحاب و محارم حضرت محمد بود و کاتب وحی بود. پس از مدتی نسبت به کیفیت نزول آیات قران و ماهیت وحی و پیغمبری حضرت محمد تردید کرد زیرا که او چندین بار کلمات و جملات آیات نازل شده را بدخواه خود تغییر داد و حضرت محمد نیز آن آیات تحریف شده را پذیرفت.

این امر شک ابی سرح را برانگیخت. سرانجام ابی سرح در مورد آیه "فتبارک الله احسن الخالقین" (سوره مومنون. آیه ۱۴) با پیغمبر اختلاف پیدا کرد او معتقد بود که: "این آیه را من سروده ام و محمد آنرا از من دزدیده است" (سوره انعام. آیه ۹۳) اشاره به همین ماجراست. ابی سرح پس از این اختلاف از دین اسلام برگشت و حضرت محمد خون او را حلال ساخت. (تاریخ طبری. جلد ۳. صفحه ۱۱۸۷)

ماجرای کشتار و گرفتن اموال اقوام یهود (قبیله بنی قینقاع. قبیله بنی النضیر. قبیله بنی

قریظه) بدستور حضرت محمد چه بوده است؟

زنی از انصار نزد نزد زرگر یهودی از قبیله "بنی قینقاع" رفته و مرد یهودی برای اهانت بوی آهسته پشت جامه وی را با خاری بیالای جامه اش بست.

بطوری که هنگام برخاستن پایین تنه زن نمایان شد و مردم را بخنده انداخت. مردی مسلمان به حمایت از زن مرد زرگر یهودی را به قتل رساند و یهودیان نیز به حمایت از هم کیش خود مرد مسلمان را کشتند.

بدستور حضرت محمد مسلمانان به کوی "بنی قینقاع" هجوم برده و پس از پانزده روز محاصره افراد قبیله "بنی قینقاع" تسلیم شده و مجبور به کوچ شدند و همه دارایی های آنان بین مهاجران بی خانه تقسیم شد.

یهودیان قبیله "بنی النضیر" که از کشته شدن یکی از روسای خود بنام "کعب ابن اشرف" که دستور ترورش را حضرت محمد صادر کرده بود از ایشان در خشم بودند در مقام طغیان بر آمدند و حضرت محمد نیز امر به کشتار آنان کرد و پس از محاصره آنان توسط مسلمانان حضرت محمد دستور داد نخلستان های "بنی النضیر" را آتش بزنند! در این زمان فریاد قبیله "بنی النضیر" بلند شد و بر حضرت محمد بانگ زدند:

(تو که خود را مردی مصلح می دانی و مردم را از ویرانی و تباهی و فساد منع می کنی چرا دست به آتش زدن نخلستان ها می زنی) که مجدداً (الله) به کمک حضرت محمد آمده و (آیات ۳. ۴. ۵. سوره حشر) را بر حضرت محمد نازل نمود.

باری پس از بیست روز " بنی النضیر " تسلیم شدند و ترک دیار کردند و تمام دارایی های آنان میان حضرت محمد و یارانش تقسیم شد.

قبیله " بنی قریظه " تنها قبیله یهودی باقی مانده در یثرب بود که آنان نیز بعد از جنگ خندق مورد محاصره مسلمانان قرار گرفتند. سپس این قبیله نیز حاضر شد همچون دو قبیله دیگر اموال و دارایی های خود را گذاشته و از مدینه خارج شود ولی حضرت محمد موافقت نکرد و پس از تسلیم شدن مردم قبیله " بنی قریظه " دستور داد ۹۰۰ نفر از جوانان و مردان " بنی قریظه " را سر ببرند و اموال و دارایی و زنان و کودکان این قبیله را بعنوان بردگی بین مسلمانان تقسیم کردند. (تاریخ طبری. جلد ۳. صفحه ۱۰۸۸. ۱۰۹۱)

طبری در خشونت این عمل می نویسد: (پیامبر بگفت تا در زمین گودالها بکنند و حضرت " علی " و " زبیر " در حضور پیامبر گردن آنها را زدند. (تاریخ طبری. جلد ۳. صفحه ۱۰۹۳)

ضمناً باید یاد آور شویم در این گونه جنگ ها اعراب مسلمان حتی از همخوابگی با زنان شوهر دار پرهیز نمی کردند و این البته دستور قرآن بود. (سوره نساء. آیه ۲۴)

ماجرای ترور (سلام بن ابی الحقیق) بفرمان حضرت محمد چه بوده است؟

"سلام بن ابی الحقیق" از دوستان قبیله " اوس " بود و از سرشنا سان یهود که بفرمان حضرت محمد دستور ترور او صادر شد و عبدالله بن عتیک مامور انجام این ترور شد. آنان نیز ماموریت خود را بنحو دلخواه به انجام رساندند و "سلام بن ابی الحقیق" را کشتند. هنگامی که برگشتند و به حضرت محمد خبر دادند ایشان از خوشحالی فریاد زد "الله اکبر". (سیره ابن هشام. جلد ۲. صفحه ۱۸۶)

ماجرای ترور (خالد بن سفیان هذلی) بفرمان حضرت محمد چه بوده است؟

"خالد بن سفیان هذلی" در نخله مردم را بر ضد حضرت محمد بر می انگیزت. حضرت محمد امر فرمود به "عبدالله بن انیس" که کار او را بسازد و او نیز چنین کرد.

حضرت محمد به پاس این خدمت عصایی به "عبدالله انیس" قاتل "خالد بن سفیان هذلی" می دهد و می گوید: این عصا نشانه میان من و تو در روز قیامت است و همانا کمترین مردم در آنروز کسانی هستند که به عصا تکیه زده اند. (سیره ابن هشام. جلد ۲. صفحه ۳۹۵)

ماجرای ترور (ابو عفک) بفرمان حضرت محمد چه بوده است؟

"ابو عفک" شاعر یهودی بود که یکصد و بیست سال سن داشت. او شعری در مذمت حضرت محمد سروده بود. بدستور حضرت محمد "سالم بن عمیر" مأمور قتل "ابو عفک" شد. (سیره ابن هشام. جلد ۲. صفحه ۴۱۱)

ماجرای ترور (عصماء دختر مروان) چه بوده است؟

"عصماء" دختر مروان شاعری آزاده و دلیر بود. وی بدلیل اشعار انتقادی که در مذمت قتل عام یهودیان و همچنین ترور "ابو عفک" سروده بود. بدستور حضرت محمد "عمیر بن عدی" مأمور کشتن "عصماء" شد. "عمیر" شبانه به خانه "عصماء" می رود و او را می کشد و صبح زود خیر کشته شدن "عصماء" را به حضرت محمد می دهد. حضرت محمد می گوید: (ای "عمیر" خدا و رسولش را یاری کردی)
(سیره ابن هشام. جلد ۲. صفحه ۴۱۲)

"عمر بن خطاب" که بوده است و با حضرت محمد چه نسبت فAMILI داشته است؟

"عمر" بعنوان بزرگترین سردار در جنگ ها و کشور گشایی ها نقش تعیین کننده داشت و مورد توجه و تایید فراوان حضرت محمد بود. بطوریکه از طرف حضرت محمد به "فاروق" (جدا کننده حق از باطل) ملقب شد.
"حضرت محمد" داماد "عمر بن خطاب" بود. وی با دختر وی بنام "حفصه" ازدواج کرد و این ازدواج به اعتبار حضرت محمد در میان مخالفان افزود.

"عثمان" که بوده است و با حضرت محمد چه نسبت فامیلی داشته است؟

"عثمان" از بازگانان ثروتمند و از اشراف بنی امیه بود. "عثمان" از محارم مخصوص حضرت محمد و از کاتبان وحی بوده است. (تاریخ طبری. جلد ۴. صفحه ۱۳۰۳). حضرت محمد به "عثمان" لقب "ذوالنورین" داده بود.

"عثمان" داماد "حضرت محمد" بود. وی ابتدا با "رقیه" (دختر حضرت محمد) ازدواج نمود ولی بر اثر عدم سازش و خشونت اخلاقی "عثمان" بضرر تازیانه "رقیه" (دختر حضرت محمد) را به قتل رسانید. پس از این اتفاق با دختر دیگر حضرت محمد بنام "ام کلثوم" ازدواج نمود. (منتخب التواریخ. صفحه ۲۴)

آیا حضرت محمد به مرگ طبیعی از دنیا رفتند؟

خیر. حضرت محمد بر اثر سمی که زنی یهودی در غذای او ریخته بود در سال یازدهم هجری چشم از جهان فرو بست. (تفسیر طبری. جلد ۵. صفحه ۱۳۳۵) (منتخب التواریخ. صفحه ۱۹)

اموال باقی مانده از حضرت محمد بعد از مرگ وی چه بوده است؟

از آن جمله می توان به املاک و اراضی ذیل اشاره نمود:

۱- فدک ۲- برقه ۳- دلال ۴- اعواف ۵- صافیه ۶- مئیب ۷- حسناء ۸- وطیح ۹- مشربه ام ابراهیم ۱۰- سلائم و ... همه این اراضی پس از مرگ حضرت محمد بلافاصله توسط ابوبکر صدیق مصادره شد. (الاموال. قاسم بن سلام. صفحه ۴۷) (وفاء الوفا. صفحه ۳۶ و ۱۵۲)

آیا حضرت علی از توانگران و ثروتمندان قبیله خود بود؟

بله. ایشان بعد از اسلام از توانگران و ثروتمندان معروف گردید.

بطوریکه در شهر "ینبع" املاک و اراضی پر ارزش داشت و صاحب نخلستانی بود که سالانه چهل هزار دینار (معادل ۱۶۰ کیلو طلا) در آمد داشت. (تجارب السلف. صفحه ۱۳)

ابن حزم در باره ثروت های حضرت علی (پارساترین شخصیت اسلامی) می نویسد: کسی که اندک اطلاعی از اخبار و احادیث داشته باشد انکار نمی کند که حضرت علی از ثروتمندترین افراد طایفه و قوم خویش بود و اراضی و املاک بسیار داشت. (الفصل فی الملل و الا هواء و النحل. جلد ۴. صفحه ۱۴۱)

ماجرای دعوا و نزاع شدید بین حضرت علی و عباس (عموی حضرت محمد) بر سر چه

بوده است؟

پس از مرگ حضرت محمد برای تصاحب ثروت ایشان بین حضرت علی و عباس (عموی حضرت محمد) نزاع شدیدی بین آنان در گرفت که عاقبت مجبور شدند برای داوری نزد ابو بکر صدیق بروند! حضرت علی و عباس در حضور ابوبکر به یکدیگر فحش و ناسزا می گفتند تا سر انجام ابو بکر صدیق بین آنان داوری کرد و گفت: "حضرت محمد گفته است که ما گروه پیامبران از خود ارث باقی نمی گذاریم" (تاریخ طبری. جلد ۴. صفحه ۱۳۳۴-۱۳۳۵)

ماجرای باغ فدک و سخنرانی حضرت فاطمه برای باز پسگیری آن چه بوده است؟

"فدک" دهکده و نخلستان بسیار بزرگی بود با کشتزار های سبز و خرم که حضرت محمد آن را به دخترش فاطمه بخشیده بود! که البته سپاهیان حضرت محمد با این عمل وی مخالفت کرده بودند زیرا معتقد بودن مطابق دستور قرآن (سوره انفال. آیه ۴۱ و ۶۹) غنیمت جنگی باید بین همه تقسیم شود ولی حضرت محمد به این امر اعتنایی نکرد و آن را به حضرت فاطمه بخشید که پس از مرگ حضرت محمد ابوبکر صدیق آنرا بنفع بیت المال مسلمین مصادره کرد. حضرت فاطمه نزد ابو بکر رفت و فرمود این باغ را پدرم به من واگذار کرده که ابو بکر هم در جواب فرمودند: "نحن معاشر الانبیاء لا نورث" یعنی: ما پیامبران ارث نمی گذاریم و از او گذاری ان به حضرت فاطمه خودداری کرد. (تاریخ طبری. جلد ۴. صفحه ۱۳۳۵-۱۳۳۶)

قرآنی که امروزه در دسترس ما می باشد تا چه اندازه کامل و واقعی است؟

در این باره نمی توان نظر قطعی داد. ولی آنچه که می دانیم ان است که : "عثمان" سومین خلیفه مسلمین قرآن را جمع آوری و مرتب نمود و سوره های بلند را با سوره های بلند و سوره های کوتاه را با سوره های کوتاه تنظیم نمود .

و طی حکمی به نواحی مختلف نوشت تا تمام نسخه های موجود قرآن را جمع آوری کردند و سپس آنها را در آب گرم و سرکه جوشانید و به روایت دیگر آنها را سوزانید جز قرآن " عبدالله بن مسعود" را.
(تاریخ یعقوبی . جلد 2 . صفحه 64)

alcorana@yahoo.com

<http://www.maknaar.com/>